

عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر افزایش قدرت زنان در خانواده (مورد مطالعه: زنان متأهل منطقه ۵ تهران)

پروانه کریمی خرفانی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی گرایش زن و خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر افزایش قدرت زنان در خانواده، با تأکید بر زنان متأهل ساکن منطقه ۵ شهر تهران، انجام شده است. در تبیین نظری پژوهش از دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با جنسیت و خانواده، از جمله نظریه جنسیتی پارسونز، نظریه منابع ویلیام گود، دیدگاه موردک و نظریه ساخت‌یابی گیدنز استفاده شده است. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کمی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را زنان متأهل منطقه ۵ شهر تهران تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها حدود ۴۳۶'۹۰۲ نفر برآورد شده است. بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه محقق‌ساخته بود که پرسشنامه قدرت زنان دارای ۲۱ گویه و پرسشنامه عوامل اجتماعی و فرهنگی دارای ۳۴ گویه بود. گویه‌ها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شدند. روایی محتوایی ابزارها با استفاده از نظر استادان و کارشناسان مرتبط بررسی و تأیید شد و پایایی پرسشنامه‌ها نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید که مقدار کلی آن ۶۹/۰ به دست آمد. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل اجتماعی و فرهنگی در مجموع تأثیر معناداری بر افزایش قدرت زنان در خانواده دارند ($F=0.9/32$). همچنین، نگرش‌های جنسیتی ($F=1.9/81$)، تطابق‌پذیری ($F=5.9/19$)، تفاوت‌های قومی میان زنان و مردان ($F=5.1/20$)، مشارکت در مسائل اجتماعی ($F=9.4/154$)، کاهش فرزندآوری ($F=6.5/71$) و استفاده از رسانه‌ها ($F=6.8/87$) رابطه و اثر معناداری با افزایش قدرت زنان در خانواده نشان دادند. در مقابل، منابع ارزشمند ($F=0.3/0$) و سطح تحصیلات ($F=0.1/0$) رابطه معناداری با افزایش قدرت زنان در خانواده نشان ندادند و بر اساس یافته‌های پژوهش، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش قدرت زنان نداشتند. در مجموع، نتایج بر اهمیت عوامل اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه نگرش‌های جنسیتی، مشارکت اجتماعی، الگوهای فرزندآوری و رسانه‌ها در تقویت جایگاه و قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: عوامل اجتماعی - فرهنگی، قدرت زنان، خانواده، نگرش‌های جنسیتی، مشارکت اجتماعی، زنان متأهل

مقدمه

توزیع ساختار قدرت یکی از مسائل اساسی در خانواده است. در طول تاریخ، قدرت در خانواده گاه به مرد و گاهی به زن تفویض شده است، اما خانواده مادر سر شیوع کمتری داشته است (ساروخانی، ۱۳۸۴). خانواده کانونی است که چگونگی توزیع قدرت در آن بر شکل‌گیری شخصیت افراد، اجتماعی شدن فرزندان و خوشبختی زناشویی اثر می‌گذارد (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). بر پایه نظریه منابع، نظام خانواده دارای نظام اقتداری است و هرکس که به منابع مهم مانند موقعیت، شغل و درآمد دسترسی بیشتری دارد، قدرت اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد (اعزازی، ۱۳۸۰).

خانواده یکی از نهادهای دیرپا و تاثیرگذار است که تغییرات جامعه را در خود منعکس می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰). جامعه‌شناسان قدرت را امکانی برای تحمیل اراده بر رفتار دیگران می‌دانند که کنترل منابع نقش مهمی در آن دارد و سبب شکل‌گیری قدرت متقارن یا مکمل می‌شود (هانسون، ۲۰۱۰). در خانواده‌های سنتی ایرانی، مرد در نقش نان‌آور تمرکز قدرت را در دست داشت. اما با ورود فناوری، رواج شهرنشینی و گسترش آموزش، زنان که نیمی از جمعیت هستند از وضعیت حاشیه‌ای به متن آمده‌اند و رفتارهای دیرین خانوادگی تغییر کرده است (کدیور، ۱۳۸۴).

حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال، انتظار تغییر نقش‌های آنان در خانواده را به وجود آورد. بر اساس تئوری منبع، دستیابی زنان به منابع ارزشمند موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان می‌شود. این روند در جامعه در حال گذار ایران که درگیر تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن است، گاه به تعارضات زناشویی می‌انجامد. مردسالاری که مردان را در موضع تحکم و زنان را در موضع اطاعت قرار می‌داد، اکنون با چالش مواجه شده و توزیع عادلانه قدرت برای حفظ سلامت خانواده ضروری است (قندهاری، ۱۳۸۲). بررسی ساختار قدرت در خانواده از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا نخستین گروهی است که بر نسل جدید تاثیر می‌گذارد. دغدغه بررسی قدرت در جامعه در حال گذار ایران سال‌هاست که پژوهشگران را ترغیب کرده است. گسترش تحصیلات و اشتغال زنان، استقلال مالی و قدرت چانه‌زنی آنان را بالا برده است. در این میان، انتظارات فرهنگی نیز در توزیع قدرت زناشویی نقش مهمی دارند (توسلی، ۱۳۹۰). شناخت این دگرگونی‌ها برای جلوگیری از آسیب‌پذیری خانواده و حفظ روابط صمیمی زوج‌ها بسیار حیاتی است (عنایت و رئیسی، ۱۳۹۱).

با توجه به نرخ بالای اشتغال زنان و ویژگی‌های کلان شهری چون تهران، این پژوهش به دنبال شناخت عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر افزایش قدرت زنان است. هدف اصلی بررسی این عوامل در میان زنان متاهل منطقه ۵ تهران است. اهداف فرعی شامل شناخت تاثیر نگرش‌های جنسیتی، منابع ارزشمند، تطابق‌پذیری، تفاوت قومیتی، تحصیلات، مشارکت اجتماعی، کاهش فرزندآوری و رسانه‌ها بر قدرت زنان می‌باشد. این پژوهش از آبان ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۳۹۸ در محدوده منطقه ۵ تهران که دارای تنوع قومیتی است، انجام شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نظریات جامعه‌شناسی

بسیاری از جامعه‌شناسان تفکیک کار و تقسیم نقش‌ها را اصلی مسلم برای حفظ کارآمدی اجتماع و بقای خانواده دانسته و بر این باورند که تقسیم نقش‌ها، یک نظام سلسله‌مراتب را می‌آفریند که پذیرش آن از سوی اعضا ضرورت دارد. ویلهلم هنریش ریل به عنوان

یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی خانواده در قرن نوزدهم معتقد است که زیربنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد و حفظ اجتماع کاملاً بسته به حفظ نهاد خانواده است. در نظریه وی، طبیعت مرد به مدیریت و رهبری در خانواده متمایل است، در حالی که طبیعت زن به مدیریت‌پذیری و پیروی تمایل دارد (زغفرانچی، ۱۳۸۸).

شلسکی، جامعه‌شناس آلمانی، تحت تأثیر شرایط بحرانی جنگ جهانی دوم خانواده را به عنوان تنها باقی‌مانده ثبات اجتماعی در نظر گرفته و بر لزوم تقویت و حفظ این نهاد تأکید می‌کند. او سلطه طبیعی مرد بر سایر اعضای خانواده را ضامن حفظ کارکردهای خانواده دانسته و بر خانه‌داری زن اصرار می‌ورزد؛ چرا که معتقد است تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت، تنها در این حالت تضمین می‌شود (روزن‌بام، ۱۳۷۰). از دیدگاه شلسکی، ساختار «پدر نان‌آور قدرتمند و مادر مسئول فرزندان» باید برای حفظ ثبات اجتماعی به هر قیمتی حفظ شود و او حتی با آگاه کردن زنان از روابط زندگی که می‌تواند آن‌ها را به تأمل و تفکر وادارد، مخالف است (روزن‌بام، ۱۳۶۷).

پارسونز ساختار خانواده هسته‌ای را نتیجه تمایز و تفکیک در دو محور «سلسله‌مراتب اقتدار» و «نقش‌های ابزاری در مقابل نقش‌های احساسی-عاطفی» می‌داند. بر این اساس، مردان به دلیل ویژگی‌های زیستی و توانایی‌های جسمی، عهده‌دار نقش ابزاری و مسلط (تأمین معاش و امور اقتصادی) هستند که این امر اقتدار تصمیم‌گیری را به آن‌ها واگذار می‌کند. در مقابل، زنان عهده‌دار نقش احساسی و بیانگر (حمایت عاطفی و مراقبت از فرزندان) هستند که این تقسیم کار باعث حفظ وحدت و انسجام خانوادگی می‌شود (مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲). از دیدگاه پارسونز، هرگونه تداخل نقش‌ها (مانند اشتغال و کسب درآمد مستقل توسط زنان که موجب فرونی اقتدار آنان می‌شود) تعادل نظام خانوادگی را برهم خواهد زد. وی خانواده تک‌هسته‌ای کوچک را سازگارترین شکل خانواده با نیازهای جامعه صنعتی معرفی می‌کند (سگالن، ۱۳۸۰).

۲-۲. پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات انجام‌شده در جامعه ایران نشان‌دهنده تمرکز محققان بر متغیرهای ساختاری، منابع عینی و سرمایه‌های فرهنگی در تبیین پویایی‌های قدرت در خانواده است. عنایت و دسترنج (۱۳۹۸) در پژوهشی پیمایشی بر روی زنان متأهل شیرازی دریافتند که افزایش سن ازدواج، شاغل بودن زن و بالا بودن سطح تحصیلات شوهر، رابطه مستقیم و مثبتی با میزان و نوع مقاومت زنان در برابر ساختار قدرت مردسالار دارد؛ ضمن اینکه به رسمیت‌شناسی زنان از سوی مردان و توانایی مجاب‌سازی آنان، جو آرام‌تری را در خانواده ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، کلاهی و شفیع (۱۳۹۵) با رویکردی کیفی به واکاوی تجربه زیسته زنان متأهل شاغل و خانه‌دار پرداختند و نشان دادند که اگرچه اشتغال موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان می‌شود، اما این اقتدار عمدتاً به تصمیمات خرد خانوادگی محدود مانده و به سطوح کلان و ساختاری رسوخ نمی‌کند.

در همین راستا، نقش مؤلفه‌های فرهنگی نوین در مطالعه سادات دل‌آور، کافی و بهمنی (۱۳۹۵) برجسته شده است؛ این پژوهشگران با بررسی زنان متأهل شیراز نشان دادند که افزایش سرمایه فرهنگی در ابعاد سه‌گانه تجسم‌یافته، نهادینه و عینیت‌یافته، موقعیت چانه‌زنی زنان را بهبود بخشیده و قدرت آنان را به شکل معناداری ارتقا می‌دهد، به‌طوری که متغیرهای اشتغال، بعد خانواده و سرمایه فرهنگی به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین قدرت زنان دارا هستند. تئوری منابع بلاد و ولف نیز مبنای تجربی پژوهش ناییب و گلشنی (۱۳۹۲) در بابل قرار گرفت؛ یافته‌های آنان مؤید این امر بود که متغیرهای تحصیلات، اشتغال و دارایی شخصی رابطه مستقیم

و مثبت با قدرت تصمیم‌گیری زنان دارند، هرچند که در این پژوهش رابطه معناداری میان میزان درآمد و منزلت شغلی با توزیع قدرت یافت نشد.

از منظر کارآمدی خانوادگی و دیدگاه‌های ارزشی، زارعی، جان‌بزرگی و احمدی (۱۳۹۲) در بررسی جامعه معلمان زن نورآباد لرستان دریافتند که میان ساختار توزیع قدرت و کارآمدی خانواده رابطه مثبت وجود دارد؛ به این صورت که ساختار دموکراتیک با محوریت مرد مقتدر بیشترین کارآمدی و ساختار زن‌سالار کمترین میزان کارآمدی را به همراه دارد و ساختار قدرت در مجموع ۹/۱۱ درصد از واریانس عملکرد خانواده را تبیین می‌کند. همچنین عنایت و رئیسی (۱۳۹۱) با تلفیق تئوری‌های منابع و جامعه‌پذیری در جیرفت نشان دادند که سرمایه اجتماعی، میزان درآمد، آگاهی از حقوق زن و وابستگی عاطفی به همسر، تأثیر مثبت و معناداری بر تعدیل قدرت داشته و حدود ۱/۴۳ درصد از تغییرات قدرت خانواده را تبیین می‌کنند. در مقابل، زنجانی‌زاده اعزازی و همکاران (۱۳۹۱) میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان را در سطح متوسط ارزیابی کرده و تداوم کلیشه‌های جنسیتی، باورهای قالبی و ویژگی‌های اخلاقی شوهر را مهم‌ترین موانع ارتقای پایگاه زن در خانواده معرفی کردند.

تأثیر مستقیم مشارکت اقتصادی نیز در پژوهش‌های متعددی تأیید شده است؛ توسلی و سعیدی (۱۳۹۰) در ایوانکی نشان دادند اشتغال زنان از طریق افزایش دسترسی به منابع عینی (تحصیلات و درآمد)، هرم قدرت را به نفع آنان تغییر داده، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها را تسهیل و سهم فعالیت‌های خانگی آنان را کاهش می‌دهد. سفیری و آراسته (۱۳۸۹ و ۱۳۸۶) نیز در مطالعات خود بر روی زنان متأهل تهرانی تأیید کردند که برخورداری از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، بسترساز شکل‌گیری روابط دموکراتیک‌تر، متقارن و دوسویه میان همسران شده و توان اثرگذاری زنان را در تصمیم‌گیری‌های کلیدی ارتقا می‌بخشد. در نهایت، باقری، ملتفت و شریفیان (۱۳۸۸) در دره‌شهر ایلام دریافتند که اشتغال زنان به شکلی معنادار موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان در ابعاد مختلفی همچون امور اقتصادی، تربیت فرزندان، تعیین موالید، گذران اوقات فراغت و مشارکت‌های سیاسی-اجتماعی می‌شود. در ابعاد بین‌المللی نیز توزیع قدرت در خانواده موضوع مطالعات متعددی بوده است. برادشاو (۲۰۱۳) در مطالعه کیفی خود روی زنان خانه‌دار نیکاراگوئه نشان داد که مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی-اقتصادی فراتر از درآمد صرف، بر قدرت تصمیم‌گیری آنان اثرگذار است، اگرچه ایدئولوژی‌های سنتی همچنان به عنوان یک عامل محدودکننده عمل می‌کنند. در تأیید نقش ساختارهای فرهنگی سنتی، بهاسواتی و دیپشیکا (۲۰۱۱) در دهلی نشان دادند که به دلیل سیطره فرهنگ مردسالار، زنان (حتی در صورت اشتغال) در تصمیمات مربوط به باروری و موالید قدرت بسیار پایینی داشته و عموماً تابع همسران خود هستند. مرکز ملی انسانی آمریکا (۲۰۱۰) با روش اسنادی بر این امر تأکید کرد که عدم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها به انزوای اجتماعی آنان منجر می‌شود، از این رو اتخاذ سیاست‌های کلان برای بهبود اشتغال، تحصیلات و مبارزه با فرهنگ‌های زن‌ستیز ضروری است.

همچنین، سیرینی واسن (۲۰۰۹) در هند دریافت که اشتغال، درآمد، تحصیلات، مذهب و به‌ویژه ساختار خانواده بر مشارکت تصمیم‌گیری زنان تأثیرگذار است؛ جالب اینکه زنان در خانواده‌های غیرهسته‌ای به دلیل تأثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی، مشارکت بالاتری را نسبت به خانواده‌های هسته‌ای ثبت کرده‌اند. در چین، زو و بیان (۲۰۰۵) نشان دادند که دسترسی زنان به کار و درآمد در دوران پس از مائو، نه‌تنها مستقیماً قدرت تصمیم‌گیری را افزایش داده، بلکه به طور غیرمستقیم از طریق تعدیل نگرش‌های جنسیتی و تضعیف ایدئولوژی تفکیک جنسیتی، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. با این حال، موزامیل و شایینا (۲۰۰۸) در کشمیر دریافتند

که با وجود رابطه مستقیم قدرت با تحصیلات، هر دو گروه زنان متأهل و مجرد به دلیل بافت سنتی، از قدرت تصمیم‌گیری پایینی برخوردار بوده و به شدت وابسته به تصمیمات مردان خانواده هستند.

تحلیل روش‌شناختی ادبیات تجربی نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌های گذشته دچار تمرکز افراطی بر متغیر «قدرت کل» (ساختار کلی قدرت) بوده و از ابعاد مهمی همچون میزان مشارکت واقعی در حوزه‌های تخصصی تصمیم‌گیری، پویایی ساختار روابط و به‌ویژه شیوه‌های اعمال قدرت (زور، پاداش، اقناع اطلاعاتی) غفلت ورزیده‌اند. با این حال، همسویی آشکاری در تایید اثر مثبت اشتغال، سن، درآمد، تحصیلات همسران، سن ازدواج و بعد خانوار بر متقارن شدن روابط قدرت وجود دارد. با این وجود، تناقضاتی نیز در یافته‌ها دیده می‌شود؛ به‌طوری که برخی پژوهش‌ها نتوانسته‌اند رابطه معناداری میان ساختار قدرت با متغیرهای زمینه‌ای نظیر منزلت شغلی، فاصله سنی زوجین، تملک دارایی و مراحل چرخه زندگی خانوادگی بیابند که این امر ضرورت انجام پژوهش‌های جامع‌تر با ابزار سنجش چندبعدی را دوچندان می‌سازد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کمی است و با روش توصیفی - پیمایشی انجام می‌شود. انتخاب این روش با توجه به هدف پژوهش، یعنی بررسی و تبیین عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر افزایش قدرت زنان در خانواده، صورت گرفته است. در این پژوهش تلاش می‌شود با گردآوری داده‌های میدانی از طریق پرسشنامه، وضعیت متغیرهای مورد مطالعه و میزان ارتباط میان آن‌ها بررسی شود. روش پیمایش امکان جمع‌آوری داده‌های استاندارد از تعداد نسبتاً زیادی از پاسخگویان و تعمیم یافته‌های حاصل از نمونه به جامعه آماری را فراهم می‌کند. داده‌های مورد نیاز پژوهش در مقطع زمانی اجرای مطالعه و از طریق مراجعه مستقیم به جامعه مورد مطالعه گردآوری خواهد شد.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن منطقه ۵ شهر تهران است. با توجه به گستردگی جامعه آماری و محدودیت‌های زمانی و اجرایی، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده می‌شود که بر اساس آن، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، نسبت موفقیت و شکست ۵۰ درصد و خطای مجاز ۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین خواهد شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده می‌شود. ابتدا منطقه ۵ به‌عنوان محدوده مطالعه انتخاب شده و سپس تعدادی از محله‌های این منطقه به‌صورت تصادفی انتخاب خواهند شد. در مرحله بعد، از هر محله تعدادی بلوک مسکونی انتخاب و افراد واجد شرایط از میان خانوارهای واقع در بلوک‌های منتخب، بر اساس معیارهای ورود به پژوهش، انتخاب و مورد پرسشگری قرار خواهند گرفت.

ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر پرسشنامه محقق‌ساخته است که بر اساس مطالعه مبانی نظری، پیشینه پژوهش و ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با عوامل اجتماعی - فرهنگی و قدرت زنان در خانواده تدوین خواهد شد. پرسشنامه شامل دو بخش اصلی است؛ بخش نخست به سنجش عوامل اجتماعی - فرهنگی، از جمله نگرش‌های جنسیتی، تطابق‌پذیری، تفاوت‌های قومی، منابع ارزشمند، تحصیلات زنان، مشارکت اجتماعی، فرزندآوری و استفاده از رسانه اختصاص دارد و بخش دوم مؤلفه‌های قدرت زنان در خانواده، از جمله مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و مرتبط با امور فرزندان و همچنین شیوه تقسیم کار خانوادگی را بررسی می‌کند. گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» تنظیم می‌شوند. برای بررسی روایی

ابزار، پرسشنامه در اختیار تعدادی از استادان و متخصصان حوزه علوم اجتماعی و مطالعات خانواده قرار گرفته و پس از دریافت نظرهای اصلاحی، نسخه نهایی تدوین خواهد شد. همچنین برای بررسی پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می شود و مقدار آلفای ۷۰/۰ و بالاتر به عنوان ملاک قابل قبول برای پایایی در نظر گرفته خواهد شد.

در مرحله تحلیل داده ها، ابتدا داده های گردآوری شده بررسی، کدگذاری و وارد نرم افزار آماری SPSS خواهند شد. در بخش آمار توصیفی، از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان و وضعیت متغیرهای پژوهش استفاده می شود. در بخش آمار استنباطی، ابتدا پیش فرض های لازم برای انتخاب آزمون های آماری بررسی خواهد شد و سپس متناسب با نوع و سطح اندازه گیری متغیرها و نتایج آزمون نرمال بودن، از آزمون های آماری مناسب استفاده می شود. برای بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی - فرهنگی و قدرت زنان در خانواده می توان از ضریب همبستگی مناسب و برای تعیین میزان قدرت پیش بینی کنندگی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده کرد. همچنین در صورت نیاز، آزمون های مقایسه ای متناسب با ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان به کار گرفته خواهد شد.

۴. یافته ها

۴-۱. آمار توصیفی

جدول (۴-۱) - توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب سن

فراوانی	درصد فراوانی
۳۵-۲۶	۱۲۰
۴۵-۳۶	۱۷۲
۴۶ به بالا	۸۲
بی جواب	۱۰
جمع	۳۸۴

۳۱/۲ درصد سن شرکت کنندگان در پژوهش بین ۳۵-۲۶ ، ۴۴/۸ درصد بین ۴۵-۳۶ ، ۲۱/۳ درصد ۴۶ به بالا، و تعداد بی جواب ۲/۷ می باشد.

جدول (۴-۲) - توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب تحصیلات

فراوانی	درصد فراوانی
فوق دیپلم	۲۶
لیسانس	۱۹۲
فوق لیسانس	۸۰
دکتر	۷۸
بی جواب	۸
جمع	۳۸۴

۶/۹ درصد تحصیلات شرکت کنندگان در پژوهش فوق دیپلم، ۵۰ درصد لیسانس، ۲۰/۸ درصد فوق لیسانس، ۲۰/۳ درصد دکترا و ۲ درصد هم بی پاسخ می باشد.

جدول (۳-۴)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب مدت زمان ازدواج

فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۱۰ سال	۵۷
۱۰-۲۰	۱۶۹
۲۰ سال به بالا	۱۴۶
بی جواب	۱۲
جمع	۳۸۴
	۱۰۰/۰

۱۴/۸ درصد شرکت کنندگان در پژوهش مدت زمان ازدواج زیر ۱۰ سال، ۴۴ درصد ۱۰-۲۰ سال، ۳۸ درصد ۲۰ سال به بالا، ۳/۲ درصد بی جواب می باشند.

جدول (۴-۴)- توزیع فراوانی گروه نمونه بر سن در هنگام ازدواج

فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۲۰ سال	۴۲
۲۰-۲۴	۳۰۸
۲۵-۲۹	۲۴
۳۰ به بالا	۱۰
جمع	۳۸۴
	۱۰۰/۰۰

۱۰/۹ درصد شرکت کنندگان در پژوهش سن در هنگام ازدواج زیر ۲۰ سال، ۸۰/۲ درصد بین ۲۰-۲۴، ۶/۲ درصد بین ۲۵-۲۹، ۲/۷ درصد ۳۰ سال به بالا می باشد.

جدول (۵-۴)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تحصیلات پدر

فراوانی	درصد فراوانی
پنجم ابتدایی	۵۲
سیکل	۱۰۴
فوق دیپلم	۱۳۷
لیسانس	۴۲
فوق لیسانس	۴۹
جمع	۳۸۴
	۱۰۰/۰

۱۳/۵ درصد تحصیلات پدر شرکت کنندگان در پژوهش پنجم ابتدایی، ۲۷/۱ درصد سیکل، ۳۵/۷ درصد فوق دیپلم، ۱۰/۹ درصد لیسانس، ۱۲/۸ درصد فوق لیسانس هستند.

جدول (۴-۶)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تحصیلات مادر

درصد فراوانی	فراوانی	
۲۷/۶	۱۰۶	سیکل
۱۰/۴	۴۰	دیپلم
۴۶/۶	۱۷۹	فوق دیپلم
۲/۶	۱۰	لیسانس
۱۲/۸	۴۹	فوق لیسانس
۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع

۲۷/۶ درصد تحصیلات مادر شرکت کنندگان در پژوهش سیکل، ۱۰/۴ درصد دیپلم، ۴۶/۶ درصد فوق دیپلم، ۲/۶ درصد لیسانس، ۱۲/۸ درصد فوق لیسانس هستند.

جدول (۴-۷)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب داشتن فرزند

درصد فراوانی	فراوانی	
۷۹/۲	۳۰۴	بلی
۰	۰	خیر
۲۰/۸	۸۰	بی جواب
۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع

۷۹/۲ درصد شرکت کنندگان در پژوهش دارای فرزند و ۲۰/۸ درصد بی جواب می باشند.

جدول (۴-۸)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تعداد فرزند

درصد فراوانی	فراوانی	
۸/۳	۳۲	۰
۲۲/۹	۸۸	۱
۳۴/۹	۱۳۴	۲
۲۱/۴	۸۲	۳
۱۲/۵	۴۸	بی جواب
۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع

۸/۳ درصد شرکت کنندگان در پژوهش بدون فرزند، ۲۲/۹ درصد ۱، ۳۴/۹ درصد ۲، ۲۱/۴ درصد ۳ دارای فرزند می باشند و ۱۲/۵ درصد بی جواب هستند.

جدول (۴-۹)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب قومیت زن

درصد فراوانی	فراوانی
--------------	---------

کرد	۰	۰
لر	۳۲	۸/۳
فارس	۲۷۶	۷۱/۹
ترک	۰	۰
سایر	۶۶	۱۷/۲
بی جواب	۱۰	۲/۶
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

براساس یافته های جدول (۴-۹) ۸/۳ درصد شرکت کنندگان در پژوهش دارای قومیت لر، ۷۱/۹ درصد فارس، ۱۷/۲ درصد سایر و ۲/۶ درصد بی جواب می باشند.

جدول (۴-۱۰)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب قومیت مرد

فراوانی	درصد فراوانی
کرد	۰
لر	۳۲
فارس	۲۷۶
ترک	۰
سایر	۶۶
بی جواب	۱۰
جمع	۳۸۴

۸/۳ درصد شرکت کنندگان در پژوهش دارای همسر از قوم لر، ۷۱/۹ درصد فارس، ۱۷/۲ درصد سایر و ۲/۶ درصد بی جواب می باشند.

جدول (۴-۱۱)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب شغل زن

فراوانی	درصد فراوانی
خانه دار	۱۷۶
معلم و کارمند ساده	۹۰
کارمند و کارشناس ارشد	۶۶
مدیر سطح میانی	۰
مدیر سطح بالا	۰
آزاد	۴۲
پزشک	۰
بی جواب	۱۰
جمع	۳۸۴

۴۵/۸ درصد اشتغال شرکت کنندگان در پژوهش خانه دار، ۲۳/۴ درصد معلم و کارمند ساده، ۱۷/۲ درصد کارمند و کارشناس ارشد، ۱۰/۹ درصد شرکت کنندگان آزاد و ۲/۶ درصد بی جواب هستند.

جدول (۴-۱۲)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب شغل مرد

فراوانی	درصد فراوانی
خانه دار	۰
معلم و کارمند ساده	۱۳۱
کارمند و کارشناس ارشد	۷۰
مدیر سطح میانی	۲۸
مدیر سطح بالا	۰
آزاد	۱۴۵
پزشک	۰
بی جواب	۱۰
جمع	۳۸۴
	۱۰۰/۰

۳۴/۱ درصد اشتغال همسران شرکت کنندگان در پژوهش معلم و کارمند ساده، ۱۸/۲ درصد کارمند و کارشناس ارشد، ۷/۳ درصد مدیر سطح میانی، ۳۷/۸ درصد شرکت کنندگان آزاد و ۲/۶ درصد بی جواب هستند.

جدول (۴-۱۳)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب درآمد زن

فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۱ میلیون	۱۶۵
از ۱ تا ۲ میلیون	۷۸
از ۲ تا ۳ میلیون	۶۴
از ۳ تا ۴ میلیون	۰
۴ میلیون به بالا	۳۹
بی جواب	۳۸
جمع	۳۸۴
	۱۰۰/۰

۴۳ درصد درآمد شرکت کنندگان در پژوهش، زیر ۱ میلیون، ۲۰/۳ درصد ۱ تا ۲ میلیون، ۱۶/۶ درصد ۲ تا ۳ میلیون، ۱۰/۲ درصد ۴ میلیون به بالا و ۹/۹ درصد بی جواب می باشد. براساس میزان درآمد زنان اعم از زنانی که بیرون از خانه مشغول به کار هستند و چه کسانی که دارای درآمد از طرق مختلف مانند اجاره دادن ملک و املاک و غیره هستند تهیه گردیده است.

جدول (۴-۱۴)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب درآمد مرد

فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۱ میلیون	۸۲
	۲۱/۳

از ۱ تا ۲ میلیون	۴۲	۱۰/۹
از ۲ تا ۳ میلیون	۲۴	۶/۳
از ۳ تا ۴ میلیون	۱۲۰	۳۱/۲
۴ میلیون به بالا	۳۹	۱۰/۲
بی جواب	۷۷	۲۰/۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

۲۱/۳ درصد درآمد همسران شرکت کنندگان در پژوهش، زیر ۱ میلیون، ۱۰/۹ درصد ۱ تا ۲ میلیون، ۶/۳ درصد ۲ تا ۳ میلیون، ۳۱/۲ درصد از ۳ تا ۴ میلیون و ۱۰/۲ درصد ۴ میلیون به بالا و ۲۰/۱ درصد بی جواب می باشد.

جدول (۴-۱۵)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب میزان بدهکاری زن

فراوانی	درصد فراوانی	
زیر ۱ میلیون	۱۹۰	۴۹/۵
از ۱ تا ۲ میلیون	۳۸	۹/۹
بیشتر از ۲ میلیون	۳۹	۱۰/۱
بی جواب	۱۷۷	۳۰/۵
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

۴۹/۵ درصد میزان بدهی شرکت کنندگان در پژوهش، زیر ۱ میلیون، ۹/۹ درصد ۱ تا ۲ میلیون، ۱۰/۱ درصد بیشتر از ۲ میلیون و ۳۰/۵ درصد بی جواب هستند.

جدول (۴-۱۶)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب بدهی مرد

فراوانی	درصد فراوانی	
زیر ۱ میلیون	۱۰۶	۲۷/۶
از ۱ تا ۲ میلیون	۸۴	۲۱/۹
بیشتر از ۲ میلیون	۷۷	۲۰
بی جواب	۱۱۷	۳۰/۵
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

۲۷/۶ درصد میزان بدهی همسران شرکت کنندگان در پژوهش، زیر ۱ میلیون، ۲۱/۹ درصد ۱ تا ۲ میلیون، ۲۰ درصد بیشتر از ۲ میلیون و ۳۰/۵ درصد بی جواب هستند.

جدول (۴-۱۷)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب مالکیت زن بر املاک شخصی

فراوانی	درصد فراوانی	
دارد	۱۶۷	۴۳/۵

ندارد	۱۴۷	۳۸/۳
بی جواب	۷۰	۱۸/۲
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

۴۳/۵ درصد شرکت کنندگان در پژوهش دارای املاک شخصی و ۳۸/۳ درصد بدون املاک و ۱۸/۲ درصد بی جواب می باشند.

جدول (۴-۱۸)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب مالکیت مرد بر املاک شخصی

فراوانی	درصد فراوانی
دارد	۲۳۴
ندارد	۱۱۲
بی جواب	۳۸
جمع	۳۸۴

۶۰/۹ درصد همسران شرکت کنندگان در پژوهش دارای املاک شخصی و ۲۹/۲ درصد بدون املاک و ۹/۹ درصد بی جواب می باشند.

جدول (۴-۱۹)- توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب نگرشهای جنسیتی

نگرش های جنسیتی	تعداد موافق	تعداد موافق	تعداد موافق	تعداد موافق	تعداد موافق	تعداد موافق	تعداد موافق
زنان بهتر است همیشه مطیع همسرانشان باشند و از آنان حرف شنوی کامل داشته باشند	۰	۴۴	۲۸	۱۸۷	۱۱۵	۳/۹۹	۲۹/۹
بهتر است زنان سرشان به کار خانه گرم باشد، چرا که به اندازه کافی در خانه کار هست لزومی ندارد دخالتی به کارهای بیرون که مرد انجام می دهد داشته باشند	۰	۵	۰	۱۹۰	۱۷۹	۴/۴۵	۴۶/۶
همسر معتقد است که یک زن خوب باید بدون چون و چرا به همسرش گوش کند	۰	۰	۱۰۵	۱۰۴	۱۶۵	۴/۱۶	۴۳
زمانی که می خواستم ازدواج کنم خانواده ام برایم تصمیم گرفتند و خودم نقشی نداشتم.	۰	۰	۴۲	۲۰۲	۱۳۰	۴/۲۳	۳۳/۹
همسرم خودش در مورد زمان و نوع ارتباط عاطفی ما تصمیم می گیرد.	۰	۰	۳۰	۲۴	۲۱۶	۴/۰۵	۵۶/۳

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب نگرش های جنسیتی با ۴/۴۵ مربوط به گویه (بهتر است زنان سرشان به کار خانه گرم باشد، چرا که به اندازه کافی در خانه کار هست لزومی ندارد دخالتی به کارهای بیرون که مرد انجام می دهد داشته باشند) و کمترین

میانگین نمره پاسخ با ۱/۴۸ مربوط به گویه ی (زنان بهتر است همیشه مطیع همسرانشان باشند و از آنان حرف شنوی کامل داشته باشند) بوده است.

جدول (۴-۲۰)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تطابق پذیری

تطابق پذیری	تفاوت جزئی	کاملاً موافقم	موافقم	تفاوت جزئی	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین
در تعیین مکان و زمان مسافرت رفتن نظر من به صورت کاملاً فراوانی	۳۵/۹	۲۶/۶	۲۷/۶	۷/۳	۰	۳/۹۳	
مهم باشد	درصد						
تعیین محل سکونت با زن می باشد و باید موافق باشم.	۲۷/۶	۲۴/۲	۳۵/۷	۹/۹	۰	۳/۷۱	
درصد							
در برآورده کردن خواسته های همسر احساس خوب دارم و آن فراوانی	۶۵	۱۴۷	۱۶۲	۰	۰	۳/۷۴	
را وظیفه خودم می دانم	درصد	۱۶/۹	۳۸/۳	۴۲/۲	۰		
خواسته های خودم را در زندگی به صورت مشخص به همسرم فراوانی	۱۶۳	۱۲۹	۴۰	۴۲	۰	۴/۱۰	
می گویم	درصد	۴۲/۴	۳۳/۶	۱۰/۴	۱۰/۹	۰	
اگر شرایط زندگی سخت شود آن را می پذیرم و با همسرم فراوانی	۲۴۰	۱۳۴	۰	۰	۰	۲/۲۳	
همراهی می کنم	درصد	۶۲/۵	۳۴/۹	۰	۰		

بیشترین میانگین نمره پاسخ بر حسب تطابق پذیری با ۴/۱۰ مربوط به گویه ی (خواسته های خودم را در زندگی به صورت مشخص به همسرم می گویم) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۲/۲۳ مربوط به گویه ی (اگر شرایط زندگی سخت شود آن را می پذیرم و با همسرم همراهی می کنم) بوده است.

جدول (۴-۲۱)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تفاوت بین قومیت

تفاوت بین قومیت	تفاوت جزئی	کاملاً موافقم	موافقم	تفاوت جزئی	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین
اینکه هر کدام از یک فرهنگ قومی متفاوت هستیم باعث می شود	۸۷	۱۱۱	۱۷۶	۰	۰	۳/۷۶	
بهتر همدیگر را درک کنیم	درصد	۲۲/۷	۲۸/۹	۴۵/۸	۰		
همسر احساس برتری نسبت به من دارد	۷	۰	۱۵۲	۱۶۳	۵۲	۳/۶۷	
درصد	۱/۸	۰	۳۹/۶	۴۲/۴	۱۳/۵		
من به همسر حس برتری دارم	۷۴	۱۵۷	۱۴۳	۰	۰	۳/۸۱	
درصد	۱۹/۳	۴۰/۹	۳۷/۲	۰	۰		

بیشترین میانگین نمره پاسخ بر حسب تفاوت بین قومیت با ۳/۸۱ مربوط به گویهی (من به همسر حس برتری دارم) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۳/۶۷ مربوط به گویهی (همسر احساس برتری نسبت به من دارد) بوده است.

جدول (۴-۲۲)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب منابع ارزشمند

منابع ارزشمند	تعداد	کاملاً موافقم	موافقم	... موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین
زنان باید از خود تملک مادی داشته باشند	فراوانی	۲۵۹	۷۴	۴۱	۰	۰	
درصد	۶۷/۴	۱۹/۳	۱۰/۷	۰	۰	۴/۵۸	
همسر اگر ملک یا ماشین بخرد به نام من هم می کند	فراوانی	۱۰۰	۲۲۵	۴۹	۰	۰	
درصد	۲۶	۵۸/۶	۱۲/۸	۰	۰	۴/۱۳	
در زندگی هر چیزی به دست می آید باید به نام دونفر باشد	فراوانی	۸۵	۲۴۱	۴۸	۰	۰	
درصد	۲۲/۱	۶۲/۸	۱۲/۵	۰	۰	۴/۰۹	
من برای خودم طلا و دارایی های شخصی تهیه میکنم	فراوانی	۱۲۱	۲۲۸	۲۵	۰	۰	
درصد	۳۱/۵	۵۹/۴	۶/۵	۰	۰	۴/۲۵	

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب منابع ارزشمندی با ۴/۵۸ مربوط به گویهی (زنان باید از خود تملک مادی داشته باشند) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۴/۰۹ مربوط به گویهی (در زندگی هر چیزی به دست می آید باید به نام دو نفر باشد) بوده است.

جدول (۴-۲۳)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تحصیلات زنان

تحصیلات زنان	تعداد	کاملاً موافقم	موافقم	... موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین
تحصیلات بالا باعث می شود نظر زنان بیشتر مورد پذیرش قرار بگیرد	فراوانی	۱۱۷	۱۴۶	۱۱۱	۰	۰	
درصد	۳۰/۵	۳۸	۲۸/۹	۰	۰	۴/۰۱	
تحصیلات در انتخاب همسر اهمیت بسیاری دارد	فراوانی	۱۸۶	۱۰۸	۷۵	۵	۰	
درصد	۴۸/۴	۲۸/۱	۱۹/۵	۱/۳	۰	۴/۲۷	
تحصیلات باعث بالارفتن سطح اجتماعی زنان می شود	فراوانی	۲۳۵	۵۳	۸۶	۰	۰	
درصد	۶۱/۲	۱۳/۸	۲۲/۴	۰	۰	۴/۳۹	
تحصیلات باعث افزایش حقوق اقتصادی زنان می شود	فراوانی	۱۳۲	۱۵۷	۸۵	۰	۰	
درصد	۳۴/۴	۴۰/۹	۲۲/۱	۰	۰	۴/۱۲	
رفتن به کلاس های آموزشی و گرفتن مدارک تخصصی را حتماً الزامی می دانم	فراوانی	۱۷۴	۱۵۸	۴۲	۰	۰	
درصد	۴۵/۳	۴۱/۱	۱۰/۹	۰	۰	۴/۳۵	

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب تحصیلات زنان با ۴/۳۹ مربوط به گویهی (تحصیلات باعث بالا رفتن سطح اجتماعی زنان می‌شود) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۴/۰۱ مربوط به گویهی (تحصیلات بالا باعث می‌شود نظر زنان بیشتر مورد پذیرش قرار بگیرد) بوده است.

جدول (۴-۲۴)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب مشارکت زنان در مسائل اجتماعی

مشارکت زنان در مسائل اجتماعی	تعداد	کاملاً موافقم	موافقم	... موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم	پاسخ نکرده
عضویت در گروه‌های مردمی و گردشگری باعث بالا رفتن روحیه و آگاهی زنان می‌شود	۲۱۶	۱۵۳	۵	۰	۰	۰	۴/۵۶
در مجالس مذهبی بیرون خانه حتما شرکت می‌کنم	۱۲۴	۲۳۰	۲۰	۰	۰	۰	۴/۲۷
تا جایی که بتوانم در مناسبت‌های مختلف و مراسمات خاص اطرافم حضور دارم	۶۴	۳۰۰	۱۰	۰	۰	۰	۴/۱۴
به اتفاقات و رویدادهای اجتماعی کشورم اهمیت داده و در نقد و بررسی آنها شرکت می‌کنم	۲۰۵	۱۵۶	۱۳	۰	۰	۰	۴/۵۱

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب مشارکت زنان در مسائل اجتماعی با ۴/۵۶ مربوط به گویهی (عضویت در گروه‌های مردمی و گردشگری باعث بالا رفتن روحیه و آگاهی زنان می‌شود) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۴/۱۴ مربوط به گویهی (تا جایی که بتوانم در مناسبت‌های مختلف و مراسمات خاص اطرافم حضور دارم) بوده است.

جدول (۴-۲۵)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب کاهش فرزندآوری

کاهش فرزندآوری	تعداد	کاملاً موافقم	موافقم	... موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم	پاسخ نکرده
داشتن تنها یک فرزند برای زندگی کافی است	۱۳۳	۱۸۶	۴۱	۱۴	۰	۰	۴/۱۷
تمایل به داشتن فرزند اصلاً ندارم	۱۱۲	۱۱۴	۷۲	۶۹	۷	۰	۳/۶۸
فرزند باعث می‌شود نتوانم به کارهای شخصی خودم و زندگی برسم	۵۷	۱۶۶	۶۸	۷۶	۷	۰	۳/۵
از نظر من تنها نبودن بچه‌ها بسیار مهم است	۸۳	۱۶۱	۱۱۶	۷	۷	۰	۳/۸۱

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب کاهش فرزندآوری با ۴/۱۷ مربوط به گویهی (داشتن تنها یک فرزند برای زندگی کافی است) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۳/۵ مربوط به گویهی (فرزند باعث می شود نتوانم به کارهای شخصی خودم و زندگی برسم) بوده است.

جدول (۴-۲۶)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب رسانه

رسانه	تعداد	کاملاً موافقم	موافقم	... موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	بی نظیر
انتخاب نوع رسانه مورد استفاده در خانه بیشتر با من است	فراوانی	۴۱	۱۱۵	۱۰۹	۹۷	۱۲	
درصد	۱۰/۷	۲۹/۹	۲۸/۴	۲۵/۳	۳/۱	۳/۲	
مشاهده برنامه های و سریال ها با موضوعات زنانه را حتماً در برنامه خودم دارم	فراوانی	۷۱	۱۵۵	۸۳	۲۱	۴۴	
درصد	۱۸/۵	۴۰/۴	۲۱/۶	۵/۵	۱۱/۵	۳/۵۶	
دیدن برنامه های خارج را به برنامه های داخل ترجیح می دهم	فراوانی	۷۳	۹۴	۱۴۹	۰	۵۸	
درصد	۱۹	۲۴/۵	۳۸/۸	۰	۱۵/۱	۳/۳	
کانال ها و شبکه های مجازی را بسیار زیاد استفاده می کنم	فراوانی	۸۲	۱۳۳	۷۹	۸۰	۰	
درصد	۲۱/۴	۳۴/۶	۲۰/۶	۲۰/۸	۰	۳/۵۸	

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب رسانه با ۳/۵۸ مربوط به گویهی (کانال ها و شبکه های مجازی را بسیار زیاد استفاده می کنم) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۳/۲ مربوط به گویهی (انتخاب نوع رسانه مورد استفاده در خانه بیشتر با من است) بوده است.

جدول (۴-۲۷)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب قدرت تصمیم گیری

قدرت تصمیم گیری	تعداد	کاملاً موافقم	موافقم	... موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	بی نظیر
تصمیم گیری در مورد خرید ماشین با همسر است	فراوانی	۱۲	۱۴	۴۵	۹۰	۲۱۳	
درصد	۳/۱	۳/۶	۱۱/۷	۲۳/۴	۵۵/۵	۴/۲۷	
تصمیم گیری در مورد پس انداز کردن با همسر است	فراوانی	۲۶	۱۰	۴۰	۱۰۹	۱۸۹	
درصد	۶/۸	۲/۶	۱۰/۴	۲۸/۴	۴۹/۲	۴/۱۳	
تصمیم گیری در مورد خرید یا تعویض منزل مسکونی با همسر است	فراوانی	۲۶	۱۲	۴۰	۱۳۸	۱۵۸	
درصد	۶/۸	۳/۱	۱۰/۴	۳۵/۹	۴۱/۱	۴/۰۴	
تصمیم گیری در مورد چگونگی هزینه کردن حقوق و درآمد با همسر است	فراوانی	۱۲	۴۰	۸۶	۴۷	۱۸۹	
درصد	۳/۱	۱۰/۴	۲۲/۴	۱۲/۲	۴۹/۲	۳/۹	
تصمیم گیری در مورد خرید کالاهای اساسی با همسر است	فراوانی	۰	۱۷	۳۹	۱۰۰	۱۷۹	

درصد	۰	۴/۴	۱۰/۲	۲۶	۴۶/۶	۴/۳
فراوانی	۰	۱۰	۹۶	۱۷۱	۹۷	
درصد	۰	۲/۶	۲۵	۴۴/۵	۲۵/۳	۹/۹
فراوانی	۱۰	۴۴	۲۴	۱۹۲	۱۰۴	
درصد	۲/۶	۱۱/۵	۶/۳	۵۰	۲۷/۱	۳/۸
فراوانی	۱۰	۰	۵۷	۲۱۴	۹۳	
درصد	۲/۶	۰	۱۴/۸	۵۵/۷	۲۴/۲	۴/۰۱
فراوانی	۰	۰	۱۴۰	۱۰۶	۱۲۸	
درصد	۰	۰	۳۶/۵	۲۷/۶	۳۳/۳	۳/۹
فراوانی	۰	۵۰	۳۲	۱۶۳	۱۲۹	
درصد	۰	۱۳	۸/۳	۴۲/۴	۳۳/۶	۳/۹
فراوانی	۰	۲۳	۷۱	۵۹	۱۹۱	
درصد	۰	۶	۱۸/۵	۲۳/۲	۴۹/۷	۴/۱
فراوانی	۰	۸۰	۱۴۲	۱۱۳	۳۹	
درصد	۰	۲۰/۸	۳۷	۲۹/۴	۱۰/۲	۳/۲
فراوانی	۸	۴۸	۱۴۳	۶۹	۱۰۶	
درصد	۲/۱	۱۲/۵	۳۷/۲	۱۸	۲۷/۶	۳/۵
فراوانی	۸	۰	۱۲۹	۱۴۲	۹۵	
درصد	۲/۱	۰	۳۳/۶	۳۷	۲۴/۷	۳/۸
فراوانی	۰	۰	۲۰۱	۸۲	۹۱	
درصد	۰	۰	۵۲/۳	۲۱/۴	۲۳/۷	۳/۷

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب قدرت تصمیم گیری با ۹/۹ مربوط به گویهی (در معاشرت با اقوام هر دو خانواده همسر تصمیم می گیرد.) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۳/۲ مربوط به گویهی (نحوه تربیت فرزندان با همسر است) بوده است.

جدول (۴-۲۸)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب شیوه تقسیم کار

شیوه تقسیم کار	کاملاً موافقم	موافقم	بی تفاوتم	معارضم	کاملاً مخالفم	بی نظرم
غذا پختن در خانه همیشه وظیفه من است.	۱۳۶	۱۰۱	۲۸	۰	۱۰۹	
درصد	۳۵/۴	۲۶/۳	۷/۳	۰	۲۸/۴	۲/۵
نظافت خانه همیشه وظیفه من است.	۱۰۲	۶۳	۹۲	۴۳	۷۴	

درصد	۲۶/۶	۱۶/۴	۲۴	۱۱/۲	۱۹/۳	۲/۷
ستون ظروف و لباس ها همیشه وظیفه من است.	۶۵	۶۳	۶۴	۱۴۰	۴۲	
درصد	۱۶/۹	۱۶/۴	۱۶/۷	۳۶/۵	۱۰/۹	۳/۰۸
خرید مایحتاج زندگی همیشه وظیفه من است.	۶۸	۳۹	۵۷	۲۱۰	۰	
درصد	۱۷/۷	۱۰/۲	۱۴/۸	۵۴/۷	۰	۳/۰۹
انجام کارهای بیرون از خانه و خرید خانه وظیفه همسر است	۳۹	۲۸	۹۷	۱۴۶	۶۴	
درصد	۱۰/۲	۷/۳	۲۵/۳	۳۸	۱۶/۷	۳/۴
تأمین مخارج زندگی وظیفه همسر است	۱۷۳	۲۸	۴۹	۱۲۴	۰	
درصد	۴۵/۱	۷/۳	۱۲/۸	۳۲/۳	۰	۲/۳

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب شیوه تقسیم کار با ۳/۰۹ مربوط به گویهی (خرید مایحتاج زندگی همیشه وظیفه من است). و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۲/۳ مربوط به گویهی (تأمین مخارج زندگی وظیفه همسر است) بوده است.

جدول (۴-۲۹)- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب تقارن قدرت

تقارن قدرت	کاملاً موافقم	موافقم	نمی دانم	مخالفم	کاملاً مخالفم	بی نظری
معمولاً شوهرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می شود نظر مرا نمی خواهد	۰	۰	۱۲۳	۱۳۰	۱۲۱	
درصد	۰	۰	۳۲	۳۳/۹	۳۱/۵	۳/۹
همسر کمتر اجازه می دهد به تنهایی تصمیم بگیرم	۰	۰	۷۰	۲۱۱	۹۳	
درصد	۰	۰	۱۸/۲	۵۴/۹	۲۴/۲	۴/۰۶
فکر می کنم اگر در مورد چیزی به طور کلی نظر بدهم شوهرم می پذیرد.	۱۳۰	۱۰۳	۱۰۶	۳۵	۰	
درصد	۳۳/۹	۲۶/۸	۲۷/۶	۹/۱	۰	۳/۸
در گرفتن تصمیمات زندگی مشترکمان، نظرات من برای همسر بسیار مهم است	۵۵	۱۷۱	۱۴۸	۰	۰	
درصد	۱۴/۳	۴۴/۵	۳۸/۵	۰	۰	۳/۷
روی هم رفته در خانواده حرف آخر را همسر می زند.	۰	۱۲	۱۰۶	۷۹	۱۷۷	
درصد	۰	۳/۱	۲۷/۶	۲۰/۶	۴۶/۱	۴/۱
همسر آدمی است که نمی خواهد حرفی روی حرفش باشد	۷۴	۲۵	۷۴	۶۶	۱۳۵	
درصد	۱۹/۳	۶/۵	۱۹/۳	۱۷/۲	۳۵/۲	۳/۴
در خانواده ما رسم بر این است که زن از شوهرش حرف شنوی کاملی داشته باشد	۰	۱۳	۱۴۵	۱۵۳	۶۳	
درصد	۰	۳/۴	۳۷/۸	۳۹/۸	۱۶/۴	۳/۷

بیشترین میانگین نمره پاسخ برحسب تقارن قدرت با ۴/۱ مربوط به گویهی (روی هم رفته در خانواده حرف آخر را هم سرم می زند.) و کمترین میانگین نمره پاسخ با ۳/۴ مربوط به گویهی (هم سرم آدمی است که نمی خواهد حرفی روی حرفش باشد) بوده است.

۴-۲. یافته های استنباطی مربوط به سؤالات تحقیق

۴-۲-۱. بررسی نرمال بودن متغیرها

جدول (۴-۳۰) بررسی توزیع نرمال متغیر های تحقیق

سطح معناداری	آماره آزمون	
۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	نگرش های جنسیتی
۰/۰۰۰	۰/۱۲۶	تطابق پذیری
۰/۰۰۰	۰/۱۴۷	تفاوت بین قومیت
۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	منابع ارزشمند
۰/۰۰۰	۰/۲۳۳	تحصیلات زنان
۰/۰۰۰	۰/۲۷۹	مشارکت زنان
۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	کاهش فرزندآوری
۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	رسانه
۰/۰۰۰	۰/۳۰۲	اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۱۴۷	اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۶۸	امور فرزندان
۰/۰۰۰	۰/۱۴۹	شیوه تقسیم کار
۰/۰۰۰	۰/۱۱۸	تقارن قدرت

سطح معناداری آزمون نرمال همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین توزیع نرمال نیست. یکی از پیش فرض های رگرسیون توزیع نرمال داده ها هست ولی اگر نتیجه آزمون نرمال نبودن داده ها را نشان داد برای به دست آوردن رگرسیون باید از لگاریتم طبیعی داده ها Ln استفاده کنیم.

۴-۲-۲. فرضیه اصلی: به نظر می رسد عوامل فرهنگی و اجتماعی در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۳۱): تحلیل رگرسیون چندمتغیری عوامل فرهنگی و اجتماعی در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R ²	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
-----	---	----------------	-------	------------------	---	---------------

عوامل فرهنگی و اجتماعی	۰/۴۰۳ ^a	۰/۱۶۲	۰/۱۵۷	۷/۹۱۳	۳۲/۰۹	۰/۰۰۰
جدول (۳۲-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش						
Sig	t	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد		
		b	انحراف معیار	β		
عوامل فرهنگی	۰/۳۲۱	۰/۰۹۴	۰/۱۷۵	۳/۴۱۴	۰/۰۰۱	
عوامل اجتماعی	-۰/۶۳۲	۰/۰۹۸	-۰/۳۳۲	-۶/۴۸۳	۰/۰۰۰	

نتایج برای متغیرهای فرهنگی و اجتماعی در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۱۶۲ می باشد. آزمون F با ضریب (۳۲/۰۹) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۰۰۰$).

۳-۲-۴. فرضیه اول: به نظر می رسد نگرش های جنسیتی در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۳۳-۴): تحلیل رگرسیون دو متغیره نگرش های جنسیتی در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R^2	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
نگرش جنسیتی	۰/۴۴۳ ^a	۰/۱۹۶	۰/۱۹۴	۷/۷۴	۸۱/۱۹	۰/۰۰۰

جدول (۳۴-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

Sig	t	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد		
		b	انحراف معیار	β		
نگرش جنسیتی	۱/۸۵۸	۰/۲۰۶	۰/۴۴۳	۹/۰۱۱	۰/۰۰۰	

نتایج برای متغیر نگرش های جنسیتی در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۱۹۶ می باشد. آزمون F با ضریب (۸۱/۱۹) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۰۰۰$).

۴-۲-۴. فرضیه دوم: به نظر می رسد منابع ارزشمند در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۳۵-۴): تحلیل رگرسیون دو متغیری منابع ارزشمند در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R^2	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
منابع ارزشمند	۰/۰۱۰ ^a	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	۸/۶۳۱	۰/۰۳۰	۰/۸۶۲

جدول (۳۶-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

Sig	t	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد		
		b	انحراف معیار	β		

منابع ارزشمند	۰/۰۵۰	۰/۲۸۷	۰/۰۱۰	۰/۱۷۴	۰/۸۶۲
---------------	-------	-------	-------	-------	-------

نتایج برای متغیرمنابع ارزشمند در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۰۰۰ می باشد. آزمون F با ضریب (۰/۰۳۰) بیانگر معنی دار نبودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۸۶۲$).

۴-۲-۵. فرضیه سوم: به نظر می رسد تطابق پذیری در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۳۷): تحلیل رگرسیون دومتغیری تطابق پذیری در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R^2	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
تطابق پذیری	۰/۲۳۶ ^a	۰/۰۵۶	۰/۰۵۳	۸/۳۸	۱۹/۵۹	۰/۰۰۰

جدول (۴-۳۸): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

sig	t	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد
		b	انحراف معیار	β
تطابق پذیری	۰/۷۳۹	۰/۱۶۷	۰/۲۳۶	۴/۴۲۶

نتایج برای تطابق پذیری در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۰۵۶ می باشد. آزمون F با ضریب (۱۹/۵۹) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۰۰۰$).

۴-۲-۶. فرضیه چهارم: به نظر می رسد تفاوت بین قومیت مردان و زنان در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۳۹): تحلیل رگرسیون دومتغیری تفاوت بین قومیت مردان و زنان در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R^2	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
تفاوت بین قومیت مردان و زنان	۰/۲۴۱ ^a	۰/۰۵۸	۰/۰۵۵	۸/۳۷	۲۰/۵۱	۰/۰۰۰

جدول (۴-۴۰): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

Sig	t	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد
		b	انحراف معیار	β
تفاوت بین قومیت مردان و زنان	-۱/۲۸۳	۰/۲۸۳	۰/۲۴۱	-۴/۵۲۹

نتایج برای تفاوت بین قومیت مردان و زنان در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۰۵۶ می باشد. آزمون F با ضریب (۲۰/۵۱) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۰۰۰$).

۴-۲-۷. فرضیه پنجم: به نظر می رسد تحصیلات در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۴۱): تحلیل رگرسیون دومتغیری تحصیلات در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R ²	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
تحصیلات	۰/۰۰۲ ^a	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	۸/۶۳۲	۰/۰۰۱	۰/۹۷۲

جدول (۴-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

تحصیلات	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد	t	sig
	B	انحراف معیار	β		
تحصیلات	-۰/۰۰۶	۰/۱۸۲	-۰/۰۰۲	-۰/۰۳۵	۰/۹۷۲

نتایج برای متغیر تحصیلات زنان در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۰۰۰ می باشد. آزمون F با ضریب (۰/۰۰۱) بیانگر معنی دار نبودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۹۷۲$).

۴-۲-۸. فرضیه ششم: به نظر می رسد مشارکت در مسائل اجتماعی در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۴): تحلیل رگرسیون دومتغیری مشارکت در مسائل اجتماعی در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R ²	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
مشارکت در مسائل اجتماعی	۰/۵۶۴ ^a	۰/۳۱۸	۰/۳۱۶	۷/۱۳۱	۱۵۴/۹۴	۰/۰۰۰

جدول (۴-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

مشارکت در مسائل اجتماعی	ضریب زاویه	رگرسیون	ضریب استاندارد	t	Sig
	b	انحراف معیار	β		
مشارکت در مسائل اجتماعی	-۳/۷۲۰	۰/۲۹۹	-۰/۵۶۴	-۱۲/۴۴	۰/۰۰۰

نتایج برای متغیر مشارکت در مسائل اجتماعی در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۳۱۸ می باشد. آزمون F با ضریب (۱۵۴/۹۴) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد ($Sig = ۰/۰۰۰$).

۴-۲-۹. فرضیه هفتم: به نظر می رسد کاهش فرزندآوری در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۴): تحلیل رگرسیون دو متغیری کاهش فرزندآوری در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R ²	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
کاهش فرزندآوری	۰/۱۹۶ ^a	۰/۰۳۸	۰/۰۳۵	۸/۴۶	۷۱/۶۵	۰/۰۰۰

جدول (۴-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

sig	t	ضریب استاندارد	رگرسیون	ضریب زاویه	
		β	انحراف معیار	b	
۰/۰۰۰	۳/۶۴۳	۰/۱۹۶	۰/۱۷۵	۰/۶۳۹	کاهش فرزندآوری

نتایج بین متغیرهای وارد شده به مدل در تحلیل برای متغیر کاهش فرزندآوری در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۰۳۸ می باشد. آزمون F با ضریب (۷۱/۶۵) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد.

۱۰-۲-۴. فرضیه هشتم: به نظر می رسد استفاده از رسانه در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیر دارد.

جدول (۴-۴): تحلیل رگرسیون دومتغیری رسانه در افزایش قدرت زنان

مدل	R	R^2	Adj.R	انحراف استاندارد	F	سطح معنی داری
رسانه	۰/۴۵۷a	۰/۲۰۸	۰/۲۰۶	۷/۶۸	۸۷/۶۸	۰/۰۰۰

جدول (۴-۴): ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

sig	t	ضریب استاندارد	رگرسیون	ضریب زاویه	
		β	انحراف معیار	b	
۰/۰۰۰	-۹/۳۶۴	-۰/۴۵۷	۰/۱۳۵	-۱/۲۶۴	رسانه

نتایج تحلیل رگرسیونی بین متغیرهای وارد شده به مدل در تحلیل برای متغیر استفاده از رسانه ها در افزایش قدرت زنان در خانواده حاکی از ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۲۰۸ می باشد. آزمون F با ضریب (۸۷/۶۸) بیانگر معنی دار بودن روابط موجود در تحلیل می باشد.

۵. بحث و نتیجه گیری

همان طور که پیش تر اشاره کردیم، خانواده از تأثیرپذیرترین نهادهای اجتماعی است که تحولات جامعه را در خود منعکس می کند، از این رو باید انتظار داشت در کشور ما نیز نقش های زنان در خانواده به دلیل حضور در اجتماع و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و مسئولیت های جدیدی که در جامعه برعهده دارند، تغییر سگرفی کرده باشد. به طور کلی باید گفت که مسأله «قدرت» در خانواده یکی از چالش برانگیزترین مباحث در حوزه خانواده است. در خانواده سنتی ایرانی، پدر به عنوان نان آور خانواده، ریاست خانواده را برعهده داشت و تمرکز قدرت نیز در دست او بود. این امر به لحاظ قانون شرع کاملاً پذیرفته شده بود. با گذشت زمان و تحول در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و به دنبال آن، حضور زنان در اجتماع و شرکت در امور اقتصادی و اجتماعی، انتظار می رود تا قدرت از دست پدر به عنوان تنها نان آور خانواده خارج شود و زنان نیز تا اندازه ای در این قدرت سهیم شوند.

تحقیق حاضر با عنوان «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر افزایش قدرت زنان در خانواده» به منظور بررسی وضعیت رابطه قدرت در خانواده‌ها تدوین شد و نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که به‌طور کلی زنان از قدرت تصمیم‌گیری نسبتاً بالایی در خانواده برخوردار هستند. البته تغییرات حاصل از نگرش‌های جنسیتی ازجمله منابع مهمی است که بر این امر تأثیرگذار است. در واقع قدرت زنان شاغل و مشارکت‌پذیر در جامعه بیشتر شده است. این امر نشان می‌دهد که فرضیه‌های تغییر نگرش جنسیتی، تطابق‌پذیری و نوع قومیت مورد تأیید قرار گرفت.

درخصوص رابطه میان تحصیلات و منابع ارزشمند با قدرت زنان، نتایج حاصل نشان داد که رابطه میان این دو متغیر با یکدیگر رابطه‌ای مستقیم و مثبت نمی‌باشد و به‌نوعی می‌توان گفت این دو عامل به‌عنوان دو عامل اصلی و اولیه در دهه‌های گذشته که باعث ورود زنان به جامعه و قدرت‌گیری آنان شده بود، امروز با عادی شدن و کمرنگ شدن آن در جامعه نقش آنچنانی به‌عنوان موضوعی خاص ندارد و شاید جای خود را به مسایل دیگر و حقوق دیگری داده که زنان همواره در پی به‌دست آوردن آنها هستند تا بر قدرت و حقوق خود بیافزایند.

درنهایت باید گفت که از میان فرضیه‌های موجود، فرضیه‌های مربوط به رابطه تغییر نگرش جنسیتی، تطابق‌پذیری، قومیت، مشارکت در مسائل اجتماعی، کاهش فرزندآوری و استفاده از رسانه‌ها با قدرت گرفتن زنان تأیید شده است، اما فرض رابطه میان تحصیلات و منابع ارزشمند زنان با قدرت مورد تأیید قرار نگرفت.

در نتیجه‌گیری نهایی درخصوص پژوهش انجام شده باید گفت که قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده به‌طور کلی در سطح بالایی قرار دارد و در زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار بیشتر است. علاوه بر اشتغال، تحصیلات، دارایی و تملک شخصی نیز از دیگر منابعی هستند که بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده تأثیرگذار هستند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، ابعاد قدرت زنان در ۸ حوزه تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که قدرت تصمیم‌گیری زنان در حوزه‌های تطابق‌پذیری و تغییر نگرش‌های جنسیتی بیشتر و در دو حوزه تحصیلات و منابع ارزشمند از سایر حوزه‌ها کمتر است.

منابع

- باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین و شریفیان، هدایت. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۵(۱۸)، ۲۱-۳۸.
- توسلی، افسانه و سعیدی، وحیده. (۱۳۹۰). تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی. *زن در توسعه و سیاست*، ۹(۳)، ۱۳۹-۱۵۹.
- زارعی، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود و احمدی محمدآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن. *روانشناسی و دین*، ۶(۳)، ۵۳-۷۰.
- زعفرانچی، لیلاداد. (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات و گفتگوها - اشتغال زنان*. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- زنجانی‌زاده اعزازی، هما؛ صنعتی، محمد و اسماعیلی یزدی، فرهاد. (۱۳۹۱). سنجش میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۸(۲۶)، ۹۳-۱۲۶.
- سادات دلاور، مریم؛ کافی، مجید و بهمنی، لایلا. (۱۳۹۵). سرمایه‌ی فرهنگی زنان و ساختار توزیع قدرت در خانواده (مطالعه‌ی موردی: شهر شیراز). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۴(۱)، ۲۱-۴۰.
- سفیری، خدیجه و آراسته، راضیه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده. *مجله علمی و پژوهشی تحقیقات زنان*، ۱(۱)، ۱۱-۳۰.
- علی‌بابایی، یحیی و باینگانی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی، مطالعه‌ی جوانان شهرستان پاوه. *فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی*، ۴(۱۱)، ۲۹-۴۹.
- عنایت، حلیمه و دسترنج، منصوره. (۱۳۸۹). مطالعه ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی: شهر لار). *پژوهش زنان*، ۸(۱)، ۱۰۷-۱۲۴.
- عنایت، حلیمه و رئیس‌ی، طاهره. (۱۳۹۱). سنجش عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۱)، ۲۳-۴۰.
- کلاهی، محمدرضا و شفیعی، فاطمه. (۱۳۹۶). تجربه روایت شده زنان از ساختار قدرت در خانواده. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۳(۴۸)، ۱۶۵-۱۹۲.
- لنسکی، گرهارد و لنسکی، جین. (۱۳۹۶). *سیر جوامع بشری (ترجمه ناصر موفقیان)*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی، سیدبیوک. (۱۳۹۳). الگوی سنتی ساختار قدرت در برخی خانواده‌های ایرانی. *پژوهشنامه زنان*، ۵(۲)، ۱۱۱-۱۳۷.
- مهدوی، محمدصادق و هاشمی، کامبیز. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر تحصیلات زنان بر ارتباطات انسانی در خانواده. *پژوهشنامه‌ی علوم اجتماعی*، ۴(۴)، ۱۱۵-۱۳۷.
- Bhaswati, D., & Deepshikha, T. (۲۰۱۱). Women's decision-making plays an important role in determining her reproductive health and fertility behavior. *Journal of Social Change*, ۴۱(۲), ۲۳۳-۲۴۹.
- Bradshaw, S. (۲۰۱۳). Women's decision-making in rural and urban households in Nicaragua. *Environment and Urbanization*, ۲۵(۱), ۸۱-۹۴.
- Hansone, M. (۲۰۱۰). Women abuse in the family context: An ethological approach. *Crime Research in South Africa*, ۳(۳), ۱-۸.

Mohd Nor, L. (۲۰۱۰). *Decision-making process*. Groupe ESC Toulouse.

Wamue-Ngare, G., & Njoroge, W. N. (۲۰۱۱). Gender paradigm shift within the family structure in Kiambu, Kenya. *African Journals of Social Sciences*, ۱(۳), ۱۰-۲۰.